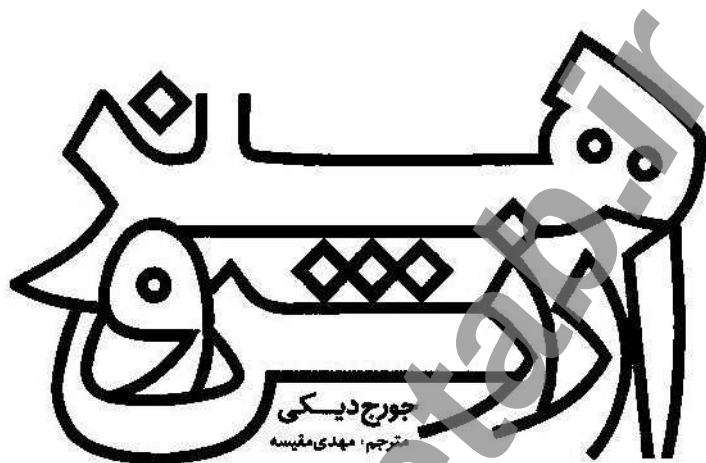




بنفشه

۱۳۹۳

سرشناسه	دیکی، جورج، ۱۹۲۶ - م. Dickie, George
عنوان و نام پدیدآور	هنر و ارزش / جورج دیکی؛ مترجم: مهدی مقیسه.
مشخصات نشر	تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری، متن، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	۱۷۶ ص.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۲۳۲-۲۰۵-۳
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	عنوان اصلی: Art and value, 2001.
یادداشت	واژه نامه - کتابنامه - نمایه.
موضوع	هنر - فلسفه: ارزش ها
شناسه افزوده	مقیسه، مهدی، ۱۳۵۳ - مترجم.
شناسه افزوده	فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران. مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری "متن".
رده بندی کنگره	۹۳۹۳-۵۶۶/د N
رده بندی دیویی	۷۰۰/۱
شماره کتابشناسی ملی	۳۶۲۱۷۰۷



مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن»

هنر و ارزش جورج دیکی

مترجم: مهدی مقیسه

ویراستار: بابک محقق

صفحه آرا: میثم رادمهر

طراح جلد: محمدرضا عبدالعلی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۳

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: فرآیندگویی

چاپ: شرکت چاپ و نشر شادرنک

ISBN: 978-964-232-205-3

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۳۲-۲۰۵-۳

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

مؤسسه: تهران - انتهای خیابان فلسطین جنوبی - خیابان لقمان ادهم - بن بست بوشهرمهر - شماره ۲۴ - مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر

آثار هنری «متن»: تلفن: ۶۶۴۹۸۶۹۲-۴ - دورنگار: ۶۶۹۵۱۶۶۲ - صندوق پستی: ۱۳۷۷ - ۱۳۱۴۵

پست الکترونیک: Info@matnpublishers.ir

فروشگاه مرکزی: خیابان ولی عصر - ترسیده به چهارراه طالقانی - شماره ۱۵۵۰ - ساختمان مرکزی فرهنگستان هنر. تلفن: ۶۶۴۹۰۹۹۰

نشانی اینترنتی: www.matnpublishers.ir

فهرست مطالب

۷	 مقدمه
۱۱	 فصل اول: زمینه تاریخی فلسفه هنر
۲۳	 فصل دوم: زمینه روش شناختی فلسفه هنر
۴۹	 فصل سوم: ماهیت نظریه‌های هنر
۷۳	 فصل چهارم: تاریخچه نظریه نهادی هنر
۱۰۱	 فصل پنجم: نظریه ارزشیابی هنر
۱۲۵	 فصل ششم: هنر و ارزش
۱۴۷	 واژه‌نامه
۱۶۷	 نمایه

مقدمه

مدار سخن ما در این کتاب نظریه نهادی هنر است که در هر یک از فصول به نحوی بدان پرداخته ایم. موضوع فصل اول سهمی است که غایت شناسی به مثابه پیش فرضی آشکار یا نهان در نظریه پردازی در باب ماهیت هنر داشته است. بسیاری از فیلسوفان بی اعتقاد به غایت شناسی، به رغم آنکه تلقی کلی شان از ماهیت جهان آشکارا طبیعت گرایانه است، «روش غایت شناختی» را در پیش گرفته اند. فصل مشترک این فلسفه های طبیعت گرایانه و دیدگاه فیلسوفان غایت اندیش این پیش فرض است که می توان ماهیت هنر را که در سازوکارهای طبیعت بشر سوخت گرفته است، کشف کرد. بسیاری از فیلسوفان قدیم این سازوکارها را ودیعه ای الهی می دانستند. حصر توجه فیلسوفان غایت اندیش بر سازوکارهای طبیعت بشر موجب شده است تا حتی در مواردی که به چنین دیدگاه های کلامی باور نداشته اند، باز به دنبال نظریه های روان شناختی بروند. در نظریه های فرهنگی هنر، از جمله نظریه «عالم هنر» آرتور دانتو، نظریه نهادی و نظریه هایی از این سنخ، «روش غایت شناختی» جایی ندارد.

فصل دوم با بحث درباره مابعدالطبیعه افلاطون و فلسفه زبان به منزله بستری برای نظریه پردازی در مورد معنای کلمات، به خصوص معنای «هنر»، آغاز می شود. سپس به مابعدالطبیعه رقبای باستانی افلاطون، اتمیست های یونانی، که دیدگاه هایشان عمیقاً با دیدگاه های او مغایر بود، می پردازیم. یادآور می شوم که

اتمیسست‌ها بر خلاف پیروان افلاطون بهره‌ای از فلسفه زبان نداشتند، در نتیجه عقاید افلاطون بر روش تعریف معانی واژگان اثر گذاشت، درحالی‌که عقاید اتمیسست‌ها در این باره بی‌اثر بود. سپس به زمان حال بازمی‌گردم و نشان می‌دهم جیمز کارنی چگونه کوشید نظر کریپکی / پاتنم - در مورد اسامی خاص و انواع طبیعی - را در مسئله تعریف «هنر» به‌کار گیرد و متذکر می‌شوم که دیدگاه کریپکی / پاتنم درباره واقعیت، قرائتی روزآمد از دیدگاه اتمیسست‌های یونانی در این باب است؛ اما ایشان بر خلاف هم‌تایان باستانی‌شان فلسفه بین زبان را با دیدگاه علمی خود درباره واقعیت درآمیخته‌اند. من انتقادات پیتز کیوی و تامس لیدی را به دیدگاه کارنی مورد بحث قرار داده تصدیق می‌کنم. سپس می‌کوشم در مسئله تعریف هنر روایتی تقلیل‌یافته از دیدگاه موضوع کریپکی / پاتنم را به‌کار برم که متضمن ضرورت نیست و هنر را امری فرهنگی و نهادی در نظر می‌گیرد.

در آغاز فصل سوم نظریه‌های روندی، کارکردی و تاریخی هنر را، مطابق با طبقه‌بندی استیون دیویس، بررسی خواهم کرد. قسمت اول این فصل ناظر بر همان نظریه‌هایی خواهد بود که وی بر مبنای طبقه‌بندی‌ها و در پرتو تحلیل‌ها و نقدهایش در کتاب تعاریف هنر از آنها سخن گفته است. در این قسمت من به‌ویژه به روایت نهادی دیویس از ماهیت هنر و به انتقاد وی از نظریه نهادی خودم نظر دارم. من دلایل خود را در رد روایت اواز نظریه نهادی، که بر مفهوم مرجعیت مبتنی است، اقامه خواهم کرد. در بخش دوم این فصل هرچند در طرح دیویس برای طبقه‌بندی نظریه‌های هنر هیچ ایرادی نمی‌بینم، روش دیگری برای طبقه‌بندی آنها پیشنهاد می‌کنم که طبق آن نظریه‌های مربوط به هنر یا از نوع طبیعی است یا همانند تفسیر نهادی هنر از نوع فرهنگی. روش اخیر طبقه‌بندی به تمایز فرهنگی / روان‌شناختی مطروحه در فصل اول مربوط است.

در فصل چهارم به تاریخچه روایت‌های متقدم و متأخر خود از نظریه نهادی هنر می‌پردازم. در آن مقال توضیح خواهم داد که روایت متقدم چگونه ضمن مجموعه‌ای از مقالات و فصولی از کتاب‌های مختلف که در پاسخ به انتقادات گوناگون نگاشتم، به تدریج از بسیاری ایرادات پیراسته شد. روایت متأخر نیز واکنشی به انتقادهاست، اما از تغییر بنیادی در سرشت این نظریه نشان دارد. در بخش آخر این فصل به انتقاد

وَلِهائِم از نظریه نهادی پاسخ می‌دهم، نقدی که عموماً معتقدند برای نظریه من بسیار مهلک بوده است، اما نشان خواهم داد که برهان وَلِهائِم راه به جایی نمی‌برد.

کانون توجه در فصل پنجم مسئله چگونگی ارزشیابی هنر است. این فصل خلاصه‌ای است از مباحث عمده کتاب ارزشیابی هنر که به سال ۱۹۸۸ منتشر شده بود. سپس به سه نقد مهم بر آن کتاب پاسخ خواهم داد.

در فصل ششم به این پرسش خواهم پرداخت که آیا مفهوم هنر، آنگونه که بسیاری از فلاسفه معتقدند، مفهومی ارزشی است یا مطابق نظریه نهادی مفهومی خنثا است. نتیجه‌گیری من آن است که این مفهوم ارزشی نیست بلکه خود آثار هنری، برخلاف برخی اشیاء، در زمره اشیاء قابل ارزشیابی قرار می‌گیرند.